

چرا آموزش‌های دینی منجر به تربیت دینی نمی‌شود؟



عصمت قربانی
کارشناس دینی و عربی کاشان

مقدمه

تربیت نسبت به انسان به منزله نور است که ظهور و بروز هر چیز به آن وابسته است. در میان همه موجودات تنها انسان، آمادگی لازم برای تربیت‌پذیری را دارد و این مسئله زمانی میسر است که آدمی در دایره آموزش‌ها و تعالیم مربوطه قرار گیرد و عوامل تربیتی در جهت هدایت و راهنمایی او به درستی انجام وظیفه کنند. اما در دنیای کنونی، هر روز خطری جدید به کودکان ما هجوم می‌آورد تا آن‌ها را دچار تزلزل و بی‌هویتی سازد و از تربیت دینی دور نماید. بنابراین، لازم است تمامی اولیا و مربیان و عوامل اجرایی تمام تلاش خود را برای تربیت صحیح کودکان به کار گیرند و آن‌ها را

از آسیب‌های عوامل منفی حفظ کنند. برای تحقق این هدف باید بدانیم عوامل مؤثر در تربیت دینی کدام‌اند و کدام‌یک بیشترین نقش را ایفا می‌کنند؟ چگونه آموزش‌های دینی مانع تربیت دینی می‌شوند؟ و برای اینکه آموزش‌های دینی اثربخش گردند و به تربیت دینی منجر شوند چه ویژگی‌هایی باید داشته باشند؟

کلیدواژه‌ها: تربیت، تربیت دینی، آموزش

تربیت: تربیت در لغت از ماده «رَبَّوْ» به معنای افزودن و رشد و نمو کردن گرفته شده است و در اصطلاح عبارت است از

فراهم‌سازی شرایط و زمینه‌هایی تا مرتب‌بایی با میل، انتخاب و اراده خود در جهت نیل به کمال گام بردارد (کریمی، ۱۳۸۱: ۵۱) و تربیت دینی، تربیتی است که رفتار فرد را نسبت به خدا، جامعه، طبیعت و خود او بر معیارهای دینی منطبق سازد و براساس قواعد دینی تنظیم کند. (عادل، ۱۳۸۴: ۱۳)

آموزش: این لغت در اصطلاح به چند معنا آمده است: الف) تحریک و راهنمای یادگیری، ب) هنر کمک به یادگیری در دیگری، ج) فراهم کردن شرایط یادگیری آسان برای دانش‌آموزان (حسین‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۳).

هدف تربیت دینی

هدف تربیت دینی ایجاد شرایط لازم در جهت پرورش شور و شوق فطری کودک نسبت به جلال و جمال الهی است؛ به طوری که نتیجه آن عشق و گرایش به سمت و سوی دین باشد. همچنین هدف، برانگیختن رغبت دینی است نه صرفاً انتقال مطالب دینی. در واقع آموزش رسیدن به حقیقت دینی مهم‌تر از دریافت حقیقت دینی از سوی دیگران است (کریمی، ۱۳۷۸: ۱۱۲-۲۷).

چگونه آموزش دینی مانع تربیت دینی است؟

العالم هو الحجاب الاکبر: علمی که ایمان نیاورد، حجاب اکبر است. (امام خمینی ره)
یکی از اشتباهاتی که بارها از روی غفلت مرتکب آن می‌شویم، ملازمه‌های است که بین معرفت و دانش دینی قائل می‌شویم و می‌پنداریم که شرط دین‌دار بودن، داشتن اطلاعات مترکم و اندوخته‌های حفظی و ظاهری دانش دینی است. در حالی که اگر آموزش دینی به همراه پرورش حس دینی نباشد، نه تنها باعث تقویت ایمان و تمایلات فطری نمی‌شود بلکه حجابی بزرگ در برابر این تمایلات خود انگیخته خواهد شد (کریمی، ۱۳۸۱: ۲۵-۲۲).

عوامل مؤثر بر تربیت دینی کدام‌اند؟

تعلیم و تربیت دینی محصول کارکرد تمام دستگاه‌های فرهنگی، تربیتی مانند مدرسه، خانواده، همسالان، رسانه‌ها و سایر نهادها در کنار محیط اجتماعی است که به دلیل اهمیتشان در تربیت، آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف) نقش والدین در تربیت فرزندان

خانواده در نوع تربیت فرزند نقش بسزایی دارد؛ زیرا نخستین محیطی است که کودک با آن تماس می‌گیرد، در آن به دنیا می‌آید و رشد می‌کند و دوران مهم زندگی او در خانواده و همراه با والدین سپری می‌شود.

موارد مسئولیت والدین در تربیت دینی

در تربیت دینی مسئولیت والدین سه حوزه ذیل را در بر می‌گیرد.
الف) آموزش عبادات: شامل نماز، روزه، دعا، قرآن و...
ب) آموزش اعتقادات: شامل اصول دین، توحید، معاد، نبوت... و
ج) آموزش اخلاقیات و آداب فردی و اجتماعی: طرز برخورد با دیگران، آداب خوردن و خوابیدن و... و همچنین وظایف والدین در انجام این مسئولیت‌ها، شامل آگاهی بخشی فرزندان، امرکردن آن‌ها به اجرای دستورات الهی و باز داشتن آن‌ها از محرمات، گناهان و نافرمانی پروردگار می‌باشد. (داودی، ۱۳۸۹: ۲۷۴)

ب: نقش مربی در تربیت

ارتباط معلم و دانش آموز به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در

سلامت فکری و روانی او نقش مهمی ایفا می‌کند؛ زیرا شخصیت کودک به طور کامل شکل نگرفته است. لذا از طریق الگوسازی، تقلید و همانندی از معلم خویش تأثیر می‌پذیرد. نه تنها گفتار و کلام، بلکه رفتار، حرکات، نگرش‌ها و مهارت‌ها و در کل تمام شخصیت معلم در او اثرگذار است. بنابراین، آشنایی با روش‌های تربیت کودک، مهربانی، محبت و همدردی با دانش آموز، قدرت بیان، آراستگی ظاهر و دینداری از ویژگی‌های مربی خوب به‌شمار می‌رود. همچنین مربی برای اجرای این مسئولیت سنگین لازم است به مبانی دینی، اعتقادی و کار تربیتی ایمان داشته و از اطلاعات دینی کافی برخوردار باشد، همواره دانش خود را افزایش دهد و با تغییرات و تحولات جامعه همراه باشد. با دانش آموزان، صادق، ملایم و نرم و آستانه صبر و تحملش بالا باشد و خود به سخنانش عمل کند و با عملش، متریبان را به عمل صالح دعوت نماید. (عطاران، ۱۳۷۱: ۱۰۵-۹۹)

ج) نقش معاشربین و همسالان در تربیت

رسول اکرم (ص) در تمثیلی زیبا همنشین صالح را به عطاری تشبیه کرده است که از عطرش به دیگران نمی‌بخشد اما بوی عطرش به آن‌ها می‌رسد. تأثیر دوستان از بزرگسالان قوی‌تر است؛ به خصوص در دوران مدرسه که کودک میل دارد در بسیاری مسائل از قبیل پوشیدن، بازی، گفتار و... از دوستان خود تقلید نماید و هر قدر بزرگ‌تر می‌شود حساسیت او نسبت به جلب توجه گروه دوستان و همسالان بیشتر می‌گردد و اگر بین گروه همسالان و خانواده تضادی هم ببیند، ارزش‌های گروه را برمی‌گزیند. براساس دستوراتی که از بزرگان و علمای دین رسیده است، باید کودک را از همراهی و همنشینی قرین بد نگاه داشت؛ زیرا افعال و کردار و گفتار همنشینان در انسان بسیار مؤثر است (همان).

عوامل مؤثر بر تربیت

از میان عوامل گوناگون، به چند دلیل خانواده در تربیت اهمیت بیشتری دارد که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.
الف) آموزش بعضی موضوعات در خارج از منزل انجام نمی‌گیرد و یا موفقیت‌آمیز نیست و زمینه آموزش آن‌ها تنها در خانواده فراهم است؛ مثل آموزش معاشرت با دوستان، جنس مخالف، پدر و مادر و...
ب) والدین برای عهده‌دار شدن این مسئولیت انگیزه قوی‌تری همانند خوش‌نامی، فرزند صالح و سعادت فرزندان دارند و مصالح آن‌ها را مصالح خود می‌دانند. بنابراین، رفع نیازهای آن‌ها را بر نیازهای خود مقدم می‌شمارند.
ج) بهترین دوران تربیت، دوران اولیه زندگی است. در روایت‌ها و سیره نبوی دوران تربیت تا چهارده سالگی و گاهی تا بیست و یک سالگی، معرفی شده است و فرزندان، حساس‌ترین دوران عمر خویش را نزد والدین می‌گذرانند.
د) والدین دارای اهرم‌های مؤثر بر رفتار فرزندان می‌باشند؛ از جمله اینکه منبع تأمین مالی، منبع اطلاعاتی و منشأ جایگاه اجتماعی آن‌ها هستند و این ویژگی‌ها می‌تواند توجیه‌کننده و اگذاری

از آنجا که انسان همواره در معرض خطر افراط و تفریط است، والدین باید مراقب باشند که از حد اعتدال خارج نگردند و با به‌کارگیری روش‌های سخت و فوق‌طیقت فرزندان باعث دین‌گریزی آن‌ها نشوند

مسئولیت به والدین باشد (داودی، ۱۳۸۹: ۲۷۸-۲۷۶).

شاخص‌های تربیت دینی

الف) معرفت و بصیرت: از محورهای اساسی تربیت، معرفت و بصیرت است که به معنای نوعی آگاهی عمیق و گسترده است و نتیجه آن پیوند بین انسان و واقعیت مورد نظر است. والدین باید ابتدا به ارتقای سطح معرفتی و بینشی خود در زمینه اعتقادات، احکام، ارزش‌ها و اخلاق اقدام نمایند و سپس به تربیت فرزندان بپردازند تا بتوانند فرزندان را در انتخاب آگاهانه و الزام درونی در عمل به فرایض یاری دهند.

ب) تعقل و خردورزی: اساس پذیرش دین، تعقل است. فرزندان باید بتوانند عقل را معیار اصلی تصمیم‌گیری قرار دهند و به کمک آن بر قوای شهویه و غضبیه خود کنترل داشته باشند. **ج) کرامت انسانی:** رفتار والدین در امر تربیت باید موجب تکریم منزلت فرزندان گردد تا بین آن‌ها روحیه متقابل ایجاد گردد. این امر باعث مصونیت در برابر لغزش‌ها، ایجاد اعتماد به نفس و ارتقای عزت نفس در فرزندان است و زمینه ایفای نقش خلیفه‌اللهی را برای رسیدن به حیات طیبه در درون آن‌ها پرورش می‌دهد.

د) مهرورزی: از جمله معیارهایی است که زمینه ایجاد انگیزه را در امر تربیت دینی فرزندان ارتقا می‌بخشد و بیانگر دغدغه والدین نسبت به سعادت فرزندان است. خداوند در قرآن به رسول خود می‌فرماید: اگر تندخو و نامهربان بودی، مردم از اطرافت پراکنده می‌شدند. بنابراین محبت، در امر تربیت، پیوندی محوری به‌شمار می‌رود.

ه) اعتدال: از آنجا که انسان همواره در معرض خطر افراط و تفریط است، والدین باید مراقب باشند که از حد اعتدال خارج نگردند و با به‌کارگیری روش‌های سخت و فوق‌طیقت فرزندان باعث دین‌گریزی آن‌ها نشوند. (کشاورز، ۱۳۸۸: ۱۸-۱۶)

روش‌های تربیت دینی: مهم‌ترین روش‌های تربیتی عبارت‌اند از:

۱) **روش محبت:** این روش از مهم‌ترین و بادوام‌ترین روش‌های تربیتی به حساب می‌آید. نگرش مثبت فرزندان به مذهب و دین، ریشه در مهر و محبت دارد.

۲) **روش الگویی:** عوامل تربیت‌کننده برای کودکان مقدس‌اند و کودکان از آن‌ها الگو می‌پذیرند. بنابراین، الگوها باید خود، نمونه کامل رفتارهای دینی باشند تا در ذهن و جان کودک نقش ببندند.

۳) **روش معرفتی:** کنجکاوی و میل به دانستن امری فطری است. سعی کنیم زمینه‌های آگاهی و شناخت و معرفت را در کودکان فراهم آوریم، چون قلب کودک پذیرای هر نوع آموزش و معرفتی است. آموزش را باید براساس ظرفیت ذهنی کودک به او ارائه کنیم و به سؤالات مذهبی او با منطق و استدلال پاسخ دهیم.

۴) **روش شرطی:** روان‌شناسان معتقدند اگر بین محرک و پاسخ، پیوندی نهادینه شود یادگیری صورت می‌گیرد. بنابراین، اگر شعائر دینی با امور خوشایند در نظر کودکان انجام گیرد علاقه‌مندی آن‌ها افزایش می‌یابد.

۵) **ایجاد رغبت و جاذبه‌های غیرمستقیم:** مثلاً در نظر گرفتن بهترین جای منزل برای نماز و اهدای سجاده، مهر، عطر و ایجاد بهترین خاطره در سفرهای معنوی، خاطرات خوشی را در ذهن او تداعی می‌کند.

۶) **روش تلقین:** در اوج شور معنوی، برای بیان عظمت اعمال دینی از بهترین کلمات استفاده شود. مثلاً گفته شود نمازگزار راستگوست، غیبت نمی‌کند و این روش در ذهن کودک، جا می‌افتد و خود را تربیت یافته دین می‌یابد.

۷) **روش اقتدار:** با لحن محترمانه و از روی محبت اما در عین حال محکم و متین، فرزندان را به رعایت و انجام دادن مسائل دینی رهنمون شویم و از هرگونه خشونت و بدخلقی بپرهیزیم.

۸) **روش تکرار و مداوم:** با تکرار و مداومت در اعمال مذهبی می‌توان فرزندان را دین‌پرور و تربیت‌پذیر مکتب قرآن درآورد (خوکلایی و عباسی، ۱۳۹۰).

علاوه برآن، در قرآن کریم نیز از تمثیل، مشاهده، گردش علمی و مشاهده عینی، آزمایش و تجربه، داستان‌سرایی، طرح سؤال و تحریض به تفکر، استدلال نیکو، مقایسه اضداد، بیان ارزش‌ها با معرفی اسوه‌ها و نیکان، تشبیه معقول به محسوس به‌عنوان اصول کاربردی ناظر بر روش‌های آموزشی نام برده شده و آیه‌های فراوانی در این موارد آمده است که به چند نمونه آن‌ها اشاره می‌کنیم.

الف) تمثیل: «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ... : همانا مثل عیسی نزد خدا همچون مثل خلقت آدم است که او را از خاک آفرید. سپس به او گفت: باش پس وجود یافت». (آل عمران/۵۹).



ب) مشاهده: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِلَهِ كَيْفَ خُلِقَتْ: آيا به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شد؟» (الغاشیه/ ۱۷)

ج) گردش علمی: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ... بگو در زمین گردش کنید پس ببینید که عاقبت کار تکذیب کنندگان چگونه است.» (الانعام/ ۱۱)

د) استدلال نیکو: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ... : مردم را با حکمت و موعظه نیکو به راه خدا دعوت کن و به بهترین طریق مناظره کن.» (النحل/ ۱۲۵).

ه) مقایسه اصداد: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ... آيا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند مساوی اند؟» (الزمر/ ۹) (احمدی، ۱۳۷۲، ۳۰۰-۲۷۳).

**باید دانست که در دنیای کنونی،
عادت‌ها و رفتارهای دینی و
مذهبی پیش از آنکه متأثر از
اندرزها و سخنان والدین و مربیان
باشد، معلول پذیرش رفتار،
عواطف و احساسات مرتبط و
همراه با مهر و محبت آن‌هاست**

آن‌ها بیان کند (داودی، ۱۳۸۹: ۲۵۸-۲۵۰).

نتیجه‌گیری

مسئله تربیت دینی که مورد توجه اکثر جوامع است، در کشور ما نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. چگونگی رفتار و برخورد عوامل تربیتی و نوع آموزش و ویژگی‌هایی که هر یک از آن‌ها دارد در تحقق یافتن تربیت دینی یا تحقق نیافتن آن مؤثر است. ناآگاهی این عوامل نسبت به چگونگی آموزش صحیح باعث می‌شود که از اهمیت ارزش‌ها و اعتقادات کاسته شود.

باید دانست که در دنیای کنونی، عادت‌ها و رفتارهای دینی و مذهبی پیش از آنکه متأثر از اندرزها و سخنان والدین و مربیان باشد، معلول پذیرش رفتار، عواطف و احساسات مرتبط و همراه با مهر و محبت آن‌هاست. پس به جاست

که عوامل تربیت‌کننده با الهام از فرهنگ غنی اسلام و احکام و تعالیم آن و بالا بردن آگاهی‌ها و تصحیح روش‌های آموزشی خود، به تربیت صحیح فرزندان بپردازند و این جز از طریق عمل صالح و متادب شدن به آداب شریعت و پرهیز از عوامل غفلت‌زا میسر نخواهد شد.

منابع

۱. احمدی، سیداحمد؛ اصول و روش‌های تربیت در اسلام، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۲.
۲. حداد عادل، غلامعلی؛ آسیب‌شناسی تربیت دینی، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۴.
۳. حسین‌زاده، سید علی؛ نگرشی بر آموزش با تأکید بر آموزش دینی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹.
۴. داوودی، محمد؛ تربیت دینی، جلد دوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹.
۵. عطاران، محمد؛ آراء مربیان بزرگ مسلمان درباره تربیت کودک، انتشارات مدرسه، ۱۳۷۱.
۶. کریمی، عبد العظیم؛ رویکرد نمادین به تربیت دینی، انتشارات قدیانی، ۱۳۷۸.
۷. کریمی، عبد العظیم؛ گفتارهایی پیرامون تربیت آسیب‌زا، سازمان انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۱.
۸. کشاورز، سوسن؛ «شاخص‌های تربیت دینی با نظر به آیات قرآن کریم»، نشریه پیوند، انجمن اولیا و مربیان، تابستان ۱۳۸۸.
۹. منابع اینترنتی: ۱. چوکلائی، محمد اسمعیلی / عباسی، حشمت الله، نقش دین در کاهش آسیب‌های روانی (stu.sharif.ir)



ویژگی‌های آموزش دینی اثربخش چیست؟

۱. توجه به انگیزه‌های درونی: روش‌های تربیتی فاقد انگیزه و آموزش‌های صوری، تنها موجب دوری از دین می‌شود و نه تنها شور و شوق درونی از آن حاصل نمی‌آید بلکه موجب تضعیف و تحریف تمایلات فطری می‌گردد. حال اینکه اساس تربیت ریشه در تمایلات درونی و فطری دارد و بدون آن هیچ برنامه تربیتی‌ای موفقیت‌آمیز نخواهد بود.

۲. ایجاد شور و شوق درونی: بزرگ‌ترین عنصر تربیت دینی، وجود عشق و محبت به خالق بزرگ است که با آن می‌توان به بالاترین درجه‌های کمال رسید. مربی در آموزش‌های خود وظیفه دارد شرایط رسیدن متربی به تجربه درونی از دین را فراهم کند. این تجربه، یک حس و کشف است و قابل انتقال و آموختن از خارج نیست.

۳. به‌کار گرفتن روش‌های غیرآموزشی: ارائه پیام‌ها، طرح‌ها و مفاهیم ارزشی تربیتی باید غیرمستقیم باشد؛ به‌گونه‌ای که متربی با اشتیاق و کنجکاو و میل و اراده و نیاز به آن گرایش یابد. باید اجازه داد تا او کشف و اختراع کند، تصاحب کند و این امر زمانی به‌وقوع می‌پیوندد که مربی مفاهیم نو و تازه را در موقعیتی مبهم قرار دهد؛ یعنی مربی، هدایتگر متربی، حرکت‌کننده و تحقق‌دهنده باشد. (کریمی، ۱۳۷۸: ۱۲۷-۴۷)

۴. توان جسمی: به این معنا که از هر کس به اندازه توانش باید انتظار داشت؛ همان‌طور که در سیره بزرگان دین هست که با کودکان، نرم و ملایم بودند و مستحباتی را که در حد توانشان نبود از آن‌ها نمی‌خواستند.

۵. رفق و مدارا در تبیین مسائل دینی: منظور از این دو واژه این است که مربی، متربیان را با ملایمت، دقت و زیبایی و بدون هیچ مشکل و ایجاد تکلفی به سوی هدف‌های تربیتی مورد نظر هدایت کند و مراد خود را متناسب با سطح درک